

خلافت امویان (۴۱ - ۱۳۲ ه.ق)

مقدمه

در درس گذشته، با تحولات جامعه‌ی اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) و دوران خلافت خلفای راشدین آشنا شدید. تحولات عصر خلافت امویان، کارنامه‌ی خلفای این خاندان و سیر دگرگونی و تبدیل حکومت دینی به سلطنت دنیوی، حماسه‌ی شکوهمند حسینی و فتوحات مسلمانان نکاتی است که در این درس درباره‌ی آن سخن گفته خواهد شد. در پایان نیز عوامل مؤثر در انقراض خلافت امویان بررسی می‌شود.

امویان در عصر جاهلیت و دوره‌ی اسلامی

پیامبر اسلام برای کامل کردن مکارم اخلاق و تربیت انسان‌هایی پاکیزه از جهت اندیشه و عمل مبعوث شد^۱ و به همین دلیل از آغاز رسالت تا هنگام رحلت اهتمام جدی به ایجاد تحول در فکر و رفتار جامعه‌ی عصر جاهلی داشت. تحولی که دشمنان پیامبر (ص) و در رأس آن‌ها بنی‌امیه تا آخرین روزهای پیش از فتح مکه در مقابل آن مقاومت کردند. گرچه سرانجام این مقاومت فروریخت و ابوسفیان و فرزندان او و سایر سرکردگان شرک در جریان فتح مکه ناچار به پذیرش ظاهری اسلام شدند، اما تاریخ نشان داد که اسلام آوردن دیر هنگام آنان، به تحولی بنیادین نینجامید و به محض آن که بار دیگر امکان اثرگذاری بر جامعه را یافتند، همان اندیشه و خصلت‌های جاهلی را در لباسی جدید به جامعه عرضه و تحمیل کردند. در واقع خلافت امویان تداوم تفکر جاهلی در بستر جامعه‌ی اسلامی بود.

معاویه بنیان‌گذار خلافت اموی

معاویه فرزند ابوسفیان، در جریان فتح مکه اسلام آورد. در دوران خلیفه‌ی اول با سپاه اسلام عازم فتح شام

شد و در دوره‌ی خلافت خلیفه‌ی دوم در آن دیار به امارت رسید و تا زمان خلافت امام علی (ع) در این منصب باقی ماند. دوری شام از مرکز ظهور اسلام و طبعاً ناآگاهی نومسلمانان شامی از محتوای واقعی دین و پیشینه‌ی پیشرفت اسلام موجب گردید فرزندان ابوسفیان در نگاه مردم شام، مسلمانانی راستین شناخته شوند. معاویه با معرفی خود به عنوان صحابی پیامبر (ص)، پایگاهی نسبتاً محکم برای امویان در شام ایجاد کرد و از حمایت و همراهی مردم آن سرزمین برای دستیابی به اهداف دنیوی خود بهره برد. وقتی امام علی (ع) در آغاز خلافتش او را از حکومت شام برکنار کرد، امام و یارانش را به عنوان قاتلان خلیفه‌ی مقتول به مردم شام معرفی کرد و به بهانه‌ی خونخواهی عثمان، شامیان را به جنگ با امام علی (ع) کشاند. او سرانجام بعد از شهادت امام علی (ع) با تحمیل قرارداد صلحی به امام حسن (ع) رسماً خلافت را به دست گرفت. معاویه در مقام والی شام و سپس خلیفه‌ی مسلمین هدفی جز تداوم قدرت و سلطه امویان از هر طریق ممکن نداشت. او برای دستیابی به اهدافش شیوه‌های مختلفی به کار گرفت. از آن جمله است:

۱- پیامبر (ص) فرمود: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» من تنها برای تام و تمام ساختن مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام.

۱- تبدیل و تغییر حکومت دینی به سلطنت

دنیوی: اسراف و تجمل‌گرایی معاویه که با تعالیم اسلام، سیره‌ی پیامبر (ص) و حتی شیوه‌ی حکومتی خلیفه‌ی اول و دوم هم سازگار نبود، آشکارترین نشانه‌ی این تغییر است. افزون بر آن، معاویه با موروثی کردن خلافت و اعلام جانشینی فرزند ناصالح و فاسق خود (یزید)، گامی اساسی در جهت تغییر شکل و محتوای حکومت دینی برداشت.

۲- تفسیر جبر گرایانه‌ی دین و فریب افکار عمومی:

براساس این تفسیر، تحولات سیاسی و اجتماعی، تقدیر یا مشیت خدا تلقی گردیده، مبارزه و مخالفت با حکومت‌های ناصالح خلاف تقدیر و مشیت خداوند شمرده می‌شد.

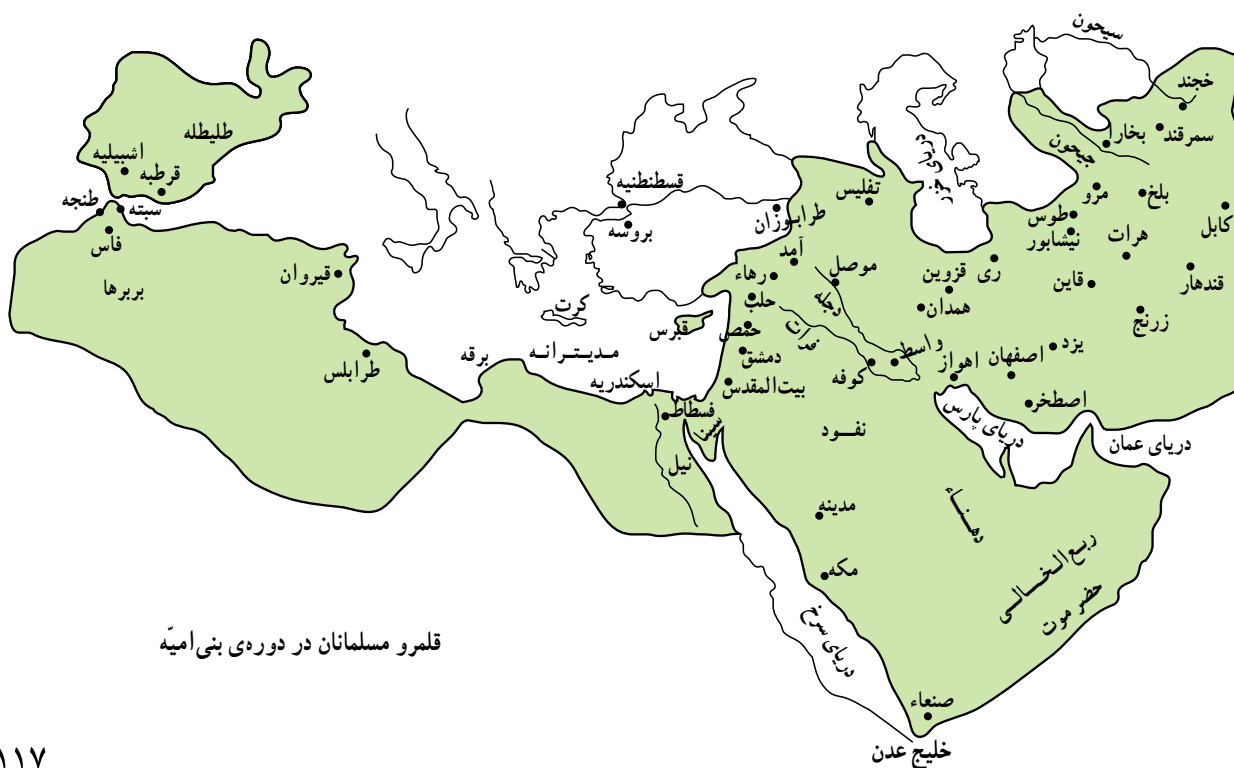
۳- بدگویی از امام علی (ع) و آزار شیعیان:

از سیاست‌های زشت معاویه که جانشینان وی نیز آن را ادامه دادند، بدگویی از امام علی (ع) بود که توسط مبلغان مزدور انجام می‌شد. هدف از این کار محو الگوی کامل دینداری و نمونه‌ی عالی حکومت اسلامی و جای‌گزینی آن با صورت تحریف‌شده‌ی دین و سیاست بود. در همین

راستا شیعیانی که حاضر به همکاری با معاویه نمی‌شدند، مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند و برخی از آنان مانند حجر بن عدی به وضع فجیعی به شهادت رسیدند. معاویه حتی با وعده‌های فریبنده همسر امام حسن (ع) را واداشت تا آن حضرت را مسموم کرده، به شهادت برساند.

۴- جذب و استخدام افراد حیله‌گر و جاه طلب:

معاویه به تنهایی قادر به اقناع افکار عمومی و ممانعت از مخالفت‌های گسترده‌ی مردم نبود، بنابراین از هر راه ممکن از جمله با سوءاستفاده از بیت‌المال، واگذاری حکومت و حتی تهدید، تعدادی از افراد جاه طلب و حیله‌گر را به خدمت گرفت. برخی از این اشخاص با حیله‌گری و تزویر او را در طراحی روش سلطه بر مردم یاری می‌رساندند، جمعی دیگر نیز در لباس دانشمند و عالم دین با جعل حدیث و تحریف تاریخ، راه غلبه بر افکار عمومی را برای او هموار می‌ساختند، و گروهی با نبوغ و توان نظامی خود، او را در سرکوب مخالفانش یاری می‌دادند. کسانی چون عمرو عاص، مغیره بن شعبه و زیاد بن ابیه از جمله‌ی این افراد بودند.



قلمرو مسلمانان در دوره‌ی بنی‌امیه

دردوره‌ی خلافت معاویه، فتوحات خارجی ادامه یافت. مسلمانان قبرس را فتح کردند و تا نزدیکی قسطنطنیه پیش رفتند و در شرق نیز سیستان و بلوچستان امروزی و قسمتی از سرزمین سند را تصرف کردند. ثروت حاصل از این پیروزی‌ها، دست معاویه را برای انجام اقدامات یاد شده باز می‌گذاشت.

خلافت یزید: کارنامه‌ی شوم

معاویه پیش از مرگ در سال ۶۰ هـ.ق، زمینه را برای خلافت یزید فراهم آورد. با مرگ معاویه، یزید از والی خود در مدینه خواست تا از امام حسین (ع) برای او بیعت بگیرد. بیعت نشانه‌ی تأیید و اطاعت بود. امام که حکومت یزید را برخلاف اسلام و قرارنامه‌ی صلح امام حسن (ع) می‌دانست از بیعت با او که به بی‌بند و باری و فسق و فجور نیز شهرت داشت، سر باز زد. امام حسین (ع) برای در امان ماندن از دسیسه‌ی کارگزاران یزید عازم مکه گردید. آن حضرت قصد داشت از فرصت حج استفاده کرده، شرایط نامطلوب

جامعه و حکومت اسلامی را برای عموم حج‌گزاران تشریح نماید. مدتی بعد نامه‌های بسیاری از مردم کوفه به دست امام رسید. کوفیان در این نامه‌ها ضمن دعوت امام به کوفه، بر پشتیبانی قاطع خویش از او تأکید کرده بودند. امام حسین (ع)، مسلم بن عقیل را برای بررسی وضع کوفه به آن شهر فرستاد. پس از ۳۵ روز اقامت مسلم در کوفه، بالغ بر هیجده هزار نفر با او به نمایندگی از امام حسین (ع) بیعت کردند. مسلم در نامه‌ای آمادگی مردم کوفه را برای پشتیبانی از امام حسین (ع) به اطلاع آن حضرت رساند. امام پس از دریافت نامه‌ی او، مکه را به قصد عراق ترک کرد. از سوی دیگر یزید سریعاً دست به کار شد و با عزل حاکم کوفه که میلی به خونریزی نداشت، عبیدالله بن زیاد را که مردی سنگدل و خونریز بود، به کوفه فرستاد. عبیدالله پس از ورود به آن شهر چنان رعب و وحشتی ایجاد کرد که کوفیان عهدشان را با مسلم نادیده گرفته، او را در چنگال طرفداران بنی‌امیه رها کردند. مسلم که تنها مانده بود، مظلومانه به شهادت رسید.

«ای مردم آن که سلطان جباری ببیند که حلال خدا را حرام می‌نماید، میثاق او را می‌شکند و بر ضد راه و روش رسول خدا عمل می‌کند و در میان بندگان خدا به گناه و ستم فرمان می‌دهد، اگر به زبان یا کردار در صدد تغییر و اصلاح بر نیاید، سزا است که خداوند، جباران را بر او چیره سازد».

امام حسین (ع)

فکر کنید و پاسخ دهید:

با مطالعه‌ی رویدادهای عصر امامت امام علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نمونه‌هایی از تغییر سریع تصمیم‌های مردم آن زمان را برشمارید.

ابن زیاد به فرماندهی حرّین یزید ریاحی راه را بر او بسته بودند. امام و اندک یارانش در صحرای کربلا، بر سر دو راهی بیعت و اطاعت توأم با ذلت و خواری و یا استقبال از مرگ شرافتمندانه و شهادت در راه خدا قرار گرفت. او راه دوم را برگزید و در خطبه‌ای فرمود: «من مرگ در راه عقیده و ایمان را سعادت می‌دانم و زندگی در سایه‌ی حکومت جباران را جز ننگ نمی‌شمارم». سرانجام پس از

امام در مسیر خود به کوفه در حالی خبر پیمان‌شکنی کوفیان و شهادت مسلم بن عقیل را دریافت کرد که مأموران

چند روز صف‌آرایی دو سپاه، در ۱۰ محرم سال ۶۱ هـ. ق در نیم‌روزی خونین، امام و هفتاد و دو تن از یاران وفادار و با ایمانش به شهادت رسیدند. حربن یزید ریاحی و چند تن دیگر از سپاه یزید نیز که پیش از آغاز نبرد به امام حسین (ع) پیوسته بودند، از جمله‌ی شهیدان کربلا بودند.

محمد بن حنفیه انگیزه‌ی خود را از قیام علیه یزید، امر به معروف و نهی از منکر برای تحقق هدف‌های زیر برشمرد:

۱- اصلاح و بازسازی جامعه‌ی اسلامی بر اساس الگوی حکومت پیامبر (ص) و امام علی (ع).

۲- جلوگیری از رواج فساد و بی‌بندوباری در میان مسلمانان.

اهداف قیام امام حسین (ع)

امام پیش از حرکت، در وصیت‌نامه‌ای به برادرش،



حرم و مرقد مطهر حضرت امام حسین (ع) در کربلا

سجاد (ع) - که سخت بیمار بود - در طول مسیر و در کوفه و شام با خطبه‌های خود، پیام نهضت حسینی، فرجام بد ظالمان و تکلیف مسلمانان و همه‌ی انسان‌های شرافتمند را با عزت و سربلندی بیان داشته، مانع فراموشی حقیقت حماسه‌ی دینی و تاریخی کربلا شدند.

رفتار لشکریان یزید با بیکر شهدا و بازماندگان آنان: لشکریان یزید بر اجساد شهدا اسب تاختند و سر مطهر آنان را بر نیزه کردند. زنان و کودکان را به اسارت گرفته، به کوفه و سپس شام بردند. با وجود همه‌ی این مصیبت‌ها حضرت زینب (س)، سرپرست کاروانیان و امام

یک توضیح

وقتی که سربریده‌ی امام حسین (ع) را به همراه اسرا نزد یزید بردند، او در حضور جمع شعری با این مضمون خواند: «ای کاش امروز پدران ما که در جنگ بدر کشته شدند، شاهد بودند و می‌دیدند که ما به تلافی قتل آنان امروز شیری شجاع و پهلوان (امام حسین) را به قتل رساندیم». یزید در ادامه با انکار نبوت گفت: «بنی‌هاشم با حکومت بازی کردند، والا نه پیامبری آمد و نه وحیی نازل شد.»

واقعه‌ی حرّه: جنایات عمّال یزید در قتل عام و اسارت خاندان پیامبر، دینداران و پرهیزکاران مدینه را سخت‌نگران و مضطرب کرد. نمایندگان مردم مدینه که به شام رفته بودند پس از بازگشت، اخلاق و رفتار زشت و پلید یزید را به اطلاع عموم رساندند؛ در نتیجه، مردم مدینه عبدالله بن حنظله را به رهبری برگزیدند و حاکم اموی را از شهر بیرون راندند. یزید لشکری را برای سرکوبی مخالفان به مدینه اعزام کرد که با قساوتی تمام جنبش را سرکوب و شهر پیامبر (ص) را عرصه‌ی تاخت و تاز قرار داد. در این واقعه، جمع کثیری از جمله هفتصد تن از قاریان قرآن و هشتاد تن از صحابه‌ی پیامبر (ص) کشته شدند. این سپاه سپس برای سرکوب عبدالله بن زبیر، یکی دیگر از مخالفان یزید عازم مکه شد و برای وادار ساختن او به تسلیم، مسجد الحرام را به منجنیق بست و موجب ویرانی کعبه گردید. در همین زمان خبر مرگ یزید به سپاهیان رسید و کارنامه‌ی شوم خلافت وی بسته شد.

جانشینان یزید

پس از یزید، پسرش معاویه دوم به حکومت رسید. او حدود چهل روز پس از تکیه بر کرسی خلافت، در مسجد حاضر شد و در مقابل عموم مردم به نکوهش از رفتار گذشته‌ی خاندان اموی پرداخت. از طغیان جدش، معاویه علیه خلیفه‌ی برحق - امام علی (ع) - و رفتار زشت پدرش در قتل و کشتار اهل بیت پیامبر (ص) و شکستن حرمت مکه بیزاری جست و در حالی که می‌گریست کناره‌گیری خود را از خلافت اعلام نمود. او چندی بعد درگذشت و یا به روایتی مسموم گردید.

کوفه پس از عاشورا

فاصله‌ی میان مرگ یزید بن معاویه تا خلافت

عبدالملک مروان، به دوران فترت خلافت اموی معروف شده است. امویان در دوره‌ی فترت علاوه بر شورش ابن‌زبیر با دو جنبش سیاسی - نظامی دیگر در عراق مواجه شدند: قیام توابین و قیام مختار.

قیام توابین: نخستین قیام به قصد خون‌خواهی امام حسین (ع) را گروهی از مردم کوفه که به توابین معروف شدند، برپا کردند. قیام توابین بیش از آن که حرکتی آگاهانه، هدفمند و برنامه‌ریزی شده باشد، نوعی واکنش عاطفی شتابزده بود. به همین دلیل توابین پس از درگیری کوتاهی با سپاه اموی، شکست خوردند و بسیاری از آنان به قتل رسیدند.

قیام مختار: مختار از خانواده‌های اشراف کوفه بود. او به بهانه‌ی خون‌خواهی امام حسین و با بهره‌گیری از احساسات جریحه‌دار شده‌ی مردم کوفه و میدان دادن به موالی، به ساماندهی سپاهی برای مبارزه با امویان از یک سو و عبدالله بن زبیر از سوی دیگر پرداخت. وی به موفقیت‌های بزرگی دست یافت و با شکست لشکر شام، بسیاری از عاملان فاجعه‌ی کربلا از جمله عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد و شمر را مجازات کرد. اما توجه و تکیه‌ی او به موالی، موجب رنجش رؤسا و اشراف کوفه شد. آنان با نیروهای عبدالله بن زبیر هم‌داستان شدند و مختار را شکست دادند. قیام مختار نخستین صحنه‌ی حضور گسترده‌ی ایرانیان در یک جنبش ضد اموی بود.

انتقال خلافت اموی از شاخه‌ی سفیانی به شاخه‌ی مروانی: پس از درگذشت معاویه‌ی دوم، به سبب درگیری‌های قومی و قبیله‌ای در میان طرفداران بنی‌امیه و شورش دیگر مدعیان خلافت، روند تداوم قدرت در خاندان اموی دچار اختلال گردید. سرانجام مروان سالخورده پس از سال‌ها انتظار، در شام به خلافت رسید. او اندکی بعد درگذشت، اما خلافت اموی تا هنگام سقوط در دست فرزندان و نوادگان وی که به مروانیان یا بنی مروان معروفند باقی ماند.

عبدالملک، پسر و جانشین مروان با کمک حجاج بن یوسف ثقفی که به سنگدلی و قساوت مشهور بود، تمامی مدعیان خلافت را از میان برداشت و دوباره اقتدار و حاکمیت امویان را بر سرتاسر سرزمین‌های اسلامی برقرار کرد.

عبدالملک، پسر و جانشین مروان با کمک حجاج بن یوسف ثقفی که به سنگدلی و قساوت مشهور بود، تمامی مدعیان

یک توضیح

امام سجاد (ع)، آمیزش عظمت مبارزه و شکوه عبادت

امام سجاد (ع) پسر امام حسین (ع) و چهارمین امام شیعیان است. شدت بیماری موجب گردید که با وجود حضور در کربلا، نتواند در نبرد شرکت کند. آن حضرت پس از قیام کربلا، به همراه سایر بازماندگان حادثه، وظیفه‌ی انتقال پیام این حرکت الهی را به عهده گرفت. امام سجاد (ع) در روزگار آشفته‌ی پس از امام حسین (ع) و اختناق حاکم بر جامعه‌ی اسلامی، ضعف بنیه فکری و اعتقادی و فقدان معنویت را اصلی‌ترین مشکل جامعه تشخیص داد. بنابراین با تربیت و آموزش شاگردانی، نخستین هسته‌ی دانشمندان شیعه را تشکیل داد. دعا‌های امام سجاد (ع) از جمله روش‌های غیر مستقیم او برای آموزش عمومی مردم بود. شیوه‌ی دیگر امام آن بود که بردگان را می‌خرید و پس از تعلیم آموزه‌های دین به آنان، آزادشان می‌کرد. به این صورت طی یک جریان تدریجی و درازمدت، زمینه‌های تحولی بنیادین در تفکر و اندیشه‌ی جامعه‌ی اسلامی را فراهم آورد. آثار این آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم، در اقبال گسترده‌ی دانش پژوهان به محضر درس امامان بعدی آشکار گردید.

از جانب فرماندهان مورد ستم و بهره‌کشی قرار گرفته بودند.

۲- رسیدگی به وضع مردم ولایات و مناطق مختلف و اعمال نظارت بر عملکرد والیان و استانداران اموی؛ از جمله منع اخذ جزیه از نو مسلمانان.

۳- ممنوع کردن دشنام‌گویی و اهانت به امام علی (ع) که از زمان معاویه به طور وسیعی در تمام سرزمین‌های اسلامی به اجبار اجرا می‌گردید. اما اجرای این اصلاحات تغییر جدی در شرایط اجتماعی و اقتصادی آن روزگار و جایگاه امویان در نگاه عمومی ایجاد نکرد، زیرا خلافت وی کوتاه مدت بود و خلفای بعدی سیاست‌های عمر بن عبدالعزیز را کنار گذاشتند. در نتیجه اعتراض و نارضایتی عمومی از حکومت اموی همچنان گسترش یافت.

خلافت عمر بن عبدالعزیز: هرچند خلفای اموی به ظاهر می‌کوشیدند با ادعای دینداری و فریب مردم، اعمال خود را توجیه نمایند، اما عملکرد آنان و دست‌نشاندهانشان موجب تنزل مقبولیت و مشروعیت دستگاه خلافت اموی در میان مردم شد. این مسئله حاکمیت اموی را دچار مخاطرات جدی کرد. لذا عمر بن عبدالعزیز، هشتمین خلیفه‌ی اموی شیوه‌ای متفاوت با دیگر خلفای اموی در پیش گرفت. او در دوران خلافتش به انجام تغییرات و اصلاحاتی دست زد که می‌توانست به کاهش نارضایتی عمومی از امویان بیانجامد. مهم‌ترین اقدامات اصلاحی این خلیفه عبارت بود از:

۱- توقف فتوحات و رسیدگی به مطالبات سپاهیان که

کانون انقلاب ضد اموی تبدیل شد :

۱- از آنجا که این سرزمین مرز قلمرو اسلامی با مناطق غیرمسلمان بود، همواره جمعیت قابل توجهی از جنگجویان مسلمان در آن منطقه حضور داشتند.

۲- به دلیل امنیت این منطقه برای مخالفان، نیروهای ناراضی به ویژه علویان و بنی هاشم در این سرزمین مستقر شده، هواداران پرشوری برای خود یافتند.

۳- اعراب مهاجر در این منطقه به واسطه‌ی اختلافات قومی و قبیله‌ای از وحدت و یکپارچگی لازم برخوردار نبودند و لذا مانع جدی در مقابل مخالفان ایجاد نمی‌کردند.

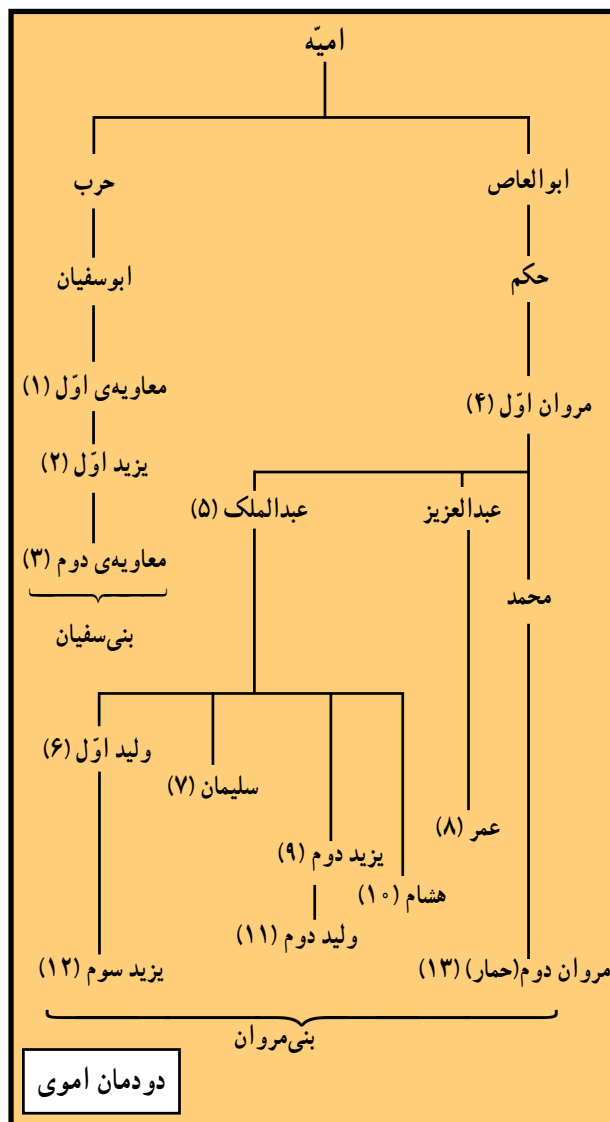
۴- ایرانیان مسلمان که به عنوان موالی در معرض انواع تحقیر و ستم حکام نژادپرست اموی قرار داشتند، همراهی مؤثری با مخالفان اموی از خود نشان دادند.

در چنین شرایطی داعیان عباسی که از تشکیلات تبلیغاتی منسجمی برخوردار بودند، با رعایت اصول مخفی‌کاری لازم اصلی‌ترین بخش فعالیت‌های خود را در منطقه‌ی خراسان متمرکز کردند. آنان با جلب توجه مردم به اسلام و محسنات آن، بر انحراف بنی‌امیه از تعالیم اسلامی و ظلم نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) تأکید می‌ورزیدند. اما دو چیز بیش از همه در پیشبرد جنبش عباسیان مؤثر بود :

۱- تأکید عباسیان بر نسبت خویشاوندی‌شان با خاندان پیامبر (ص).

۲- انتخاب شعار کلی و مبهم «الرضا من آل محمد» : این شعار علاوه بر علویان، ایرانیان را نیز که گرایش وسیعی به تشیع و محبت اهل بیت پیامبر (ص) داشتند، به پشتیبانی از جنبش ترغیب می‌کرد. در درس آینده خواهید خواند که این شعار عباسیان تنها عاملی برای فریب افکار عمومی بود.

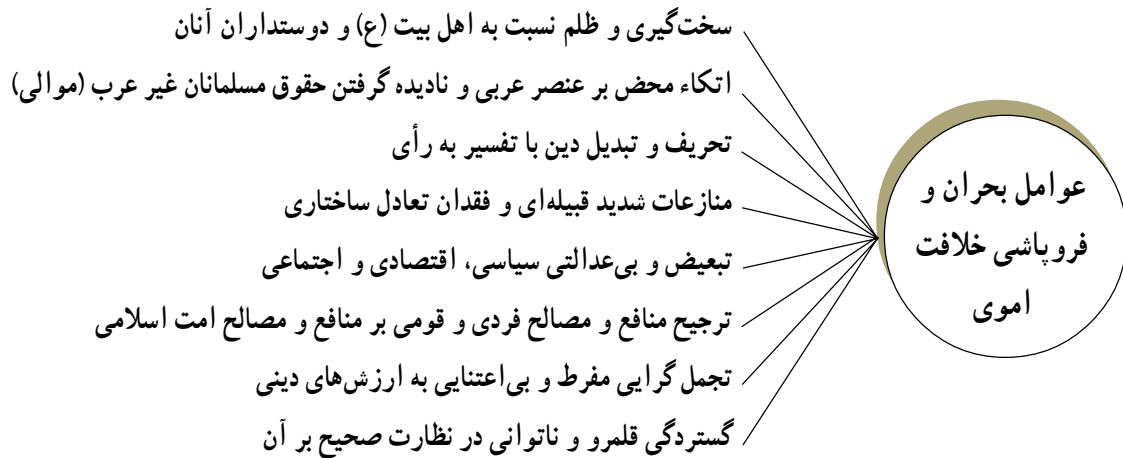
به هر حال جنبش خراسانیان که توسط ابومسلم



سقوط حکومت بنی‌امیه

چون قیام‌های ضد اموی در مناطق عرب نشین نظیر عراق که تحت نظارت مستقیم دستگاہ خلافت بود، با خشونت هرچه تمام‌تر سرکوب می‌شد و حکومت مستبدانه‌ی کسانی مانند حجاج بن یوسف (والی خشن عبدالملک در عراق) فرصت هرگونه اعتراضی را از مردم سلب کرده بود. مخالفان به منظور حفظ جان خود و تداوم مبارزه به تدریج در سرزمین‌هایی مستقر شدند که شرایط مناسب‌تری برای فعالیت داشته باشد. خراسان از جمله‌ی این سرزمین‌ها بود که به دلایل زیر به بزرگترین

سازمان‌دهی گردید، نقش اساسی در تحولات تاریخی آن دوره بازی کرد. آنان چون لباس سیاه را نشان و شعار خود قرار داده بودند به «سیاه‌جامگان» معروف شدند. سرانجام با سقوط دمشق و قتل مروان حمار، آخرین خلیفه‌ی اموی در سال ۱۳۲ ه.ق، خلافت بنی‌امیه منقرض شد.



پرسش‌های نمونه

- ۱- معاویه برای رسیدن به اهدافش چه شیوه‌هایی به کار برد؟
- ۲- دلیل شکست قیام مختار را توضیح دهید.
- ۳- چه عواملی در پیشبرد جنبش عباسیان مؤثر بود؟
- ۴- مهم‌ترین عوامل فروپاشی حکومت امویان کدامند؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- در مورد اقدامات حجاج بن یوسف گزارشی بنویسید.
- ۲- درباره‌ی فتوحات مسلمانان در اسپانیا یا شبه‌قاره‌ی هند در دوره‌ی اموی مطلبی تهیه کنید.
- ۳- عملکرد امام حسین (ع) را در زمان معاویه و در دوره‌ی یزید با هم مقایسه کنید و در مورد دلایل تفاوت عملکرد امام مطلبی بنویسید.